

## سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) - 30 /بهمن/ 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس بسیار معطر و منوری است؛ معطر به عطر شهادت، و منور به نور بازماندگان شهدای عزیزمان است؛ که پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدا، از لحاظ فداکاری و گذشت در راه خدا، تالی‌تلو خود آن شهیدانند. امیدوارم که ارواح مطهره‌ی شهیدان عزیز ما، هم در دنیا برای ما راهنما و راهبر و تصحیح‌کننده‌ی خطاها باشند، و هم در پیشگاه پروردگار عالم در قیامت، شفیع و واسطه‌ی عفو و مغفرت برای ما باشند.

آن چیزی که در کشور ایران واقع شد و بلاشک در همه‌ی ادوار تاریخ این کشور - تا آن‌جا که ما خوانده‌ایم و دیده‌ایم - سابقه‌ی ندارد، ایستادگی و فداکاری عمومی و یکپارچه‌ی مردم در راه خدا بود که در مقابل تجاوز و نامردمی دشمنان صورت گرفت. نقطه‌ی اوج این حادثه‌ی استثنایی و بی‌نظیر، همان حرکت درخشانی بود که از ستارگان آسمان انسانیت زمان ما - یعنی همین شهیدان عزیز ما - سر زد. این جوانانی که این‌طور با شور و شوق، بدون این‌که به آرزوها و شهوات جوانی کمترین اعتنایی بکنند، به جبهه‌ها رفتند و حقیقتاً با عشق و محبت الهی جان دادند، به‌نظر بنده این برجستگان زمان ما، از صدر اسلام به بعد، در هیچ‌یک از دوره‌ها، از لحاظ کمیت و کیفیت نظیر ندارند. عده کثیری از این عزیزان هم همین حرکت و همین شجاعت را بخرج دادند و به‌صورت جانباز درآمدند؛ عده‌ی هم به اسارت افتادند و در دوران اسارت هم از خود عظمت نشان دادند؛ عده‌ی هم - که بحمدالله کم نیستند - همچنان در میان مردم هستند و برای دفاع از این انقلاب، ذخیره‌های الهی محسوب می‌شوند. این مجموعه‌ی جوان - چه آنهایی که شهید شدند، چه آنهایی که جانباز شدند، چه آنهایی که اسیر شدند، چه آنهایی که هنوز مفقودالثرند و از حال آنها کسی مطلع نیست - جزو معجزات انقلاب در زمان ماست. چه کسی می‌توانست این دل‌های پاک و مطهر را این‌طور یکپارچه متوجه به خدا بکند؟ این معجزه‌ی اسلام انقلابی و اسلام پُرتپیش بود؛ ناشی از اخلاص آن مرد خدا، آن بنده‌ی صالح و آن رهبر واقعی و حقیقی بود که در خط رهبری پیامبران حرکت می‌کرد؛ راه و نقس و عمل او این حادثه‌ی عظیم را آفرید.

عزیزان من، پدران شهدا، مادران شهدا، که دسته‌های گل پروریده‌ی در دامان خودتان را در راه خدا دادید و پریر شدن آنها را تحمل کردید! جوانان عزیز جانباز، که در اول جوانی، سلامت خودتان را برای خدا و در راه خدا تقدیم کردید! همسران شهدا، فرزندان شهدا، که مصایب مشکل را تحمل کردید! من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود، اگر جوانان و نورچشمان شما این‌طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمی‌رفتند و فداکاری نمی‌کردند، امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. اگر می‌بینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است؛ اگر می‌بینید که ملت‌های مسلمان احساس شخصیت و هویت می‌کنند؛ اگر می‌بینید که نعره‌ی الله اکبر بچه‌مسلمانها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخته‌های قدرت استکباری را به لرزه درآورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است؛ بدانید که این افتخار به‌وسیله‌ی فرزندان شما، به‌وسیله‌ی همین خونهای پاک، به‌وسیله‌ی همین گذشتها و ایثارها به‌دست آمد؛ بدون اینها نمی‌شد. این تحول عظیمی که اسلام انقلابی و لطف الهی در دلها به‌وجود آورد و این‌طور همه را مشتاق به سمت جبهه‌ها کشاند و فداکاریها را به بهترین وجه در مقابل چشم جهانیان قرار داد، اگر اینها نبود، قضیه این‌طور نمی‌شد. امروز مستکبران عالم از اسلام می‌ترسند؛ چون جوانان شما را دیده‌اند؛ چون جبهه‌های شما را دیده‌اند؛ چون بسیج را دیده‌اند؛ دیده‌اند که این مردم چه‌طور مثل اقیانوسی خروشان به طوفان می‌آیند و از هیچ چیزی در راه خدا نمی‌هراسند؛ چون پدران و مادران را دیده‌اند؛ دیده‌اند که مادر

با آن عاطفه‌ی رقیق و جوشان - که هیچ مادری نمی‌تواند تحمل کند که خاری به پای فرزندش برود - از جوان خودش در راه خدا آن چنان آسان می‌گذشت که همه را به حیرت در می‌آورد. یک شهید، دو شهید، سه شهید، چهار شهید ؛ این پدران و مادران و همسران و کسان این عزیزان و جوانان ما آن چنان تحمل کردند که انسان از حیرت و تعجب، هرچه نگاه می‌کند، نظیری برای آن پیدا نمی‌کند. این صبرها بود که لطف خدا را متوجه این ملت کرد.

برادران عزیز! هیچ کار بزرگی جز با فداکاری و صبر به دست نمی‌آید ؛ هیچ هدفی جز با تلاش و مجاهدت به دست نمی‌آید. آن روزی که مسلمانان نشستند تا دنیا و آخرتشان تأمین بشود، اما هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، دنیا را که در نقد از دست دادند ؛ آخرت را هم که خدا می‌داند! اما مردم در انقلاب ما - که مسلمانان را نیز به حرکت درآورد - به فضل پروردگار، عزت و شرف و پیشرفت دنیا را به دست آوردند ؛ «و ما عند الله خیر و ابقى» ؛ (1) روشنی چشم آنها، پیش خدا و در آخرت است.

من بخصوص به شما جوانان عرض می‌کنم که صحنه‌های مبارزه و انقلاب، شاید به شکل‌های دیگر همچنان ادامه دارد. استکبار جهانی، دشمنان خونی اسلام، آنهایی که از اسلام می‌هراسند و می‌دانند که اسلام مانع غارتگری آنهاست، بیکار ننشسته‌اند. دشمنان بزرگ و پُر مکر و فن ما، از این اسلام عزیز و ناب، از این نظام جمهوری اسلامی - که برای اولین بار بعد از صدر اسلام، در دنیا نظامی بر پایه‌ی مقررات اسلام تشکیل می‌شود - و از این حرکت عظیمی که موجب شد دست دشمن از این کشور کوتاه بشود، حاضر نیستند بگذرند.

ما باید بیدار و هشیار باشیم ؛ باید همواره خود را در جبهه‌ی کارزار حس کنیم. هر جا هستید - در مدرسه، در دانشگاه، در بازار، در حوزه‌ی علمیه، در مسؤولیت‌های دولتی، در شهر، در روستا - باید احساس یک سرباز و یک بسیجی را داشته باشید. امروز به فضل پروردگار این احساس با امید بیشتری همراه است ؛ زیرا ملت ایران تجربه کرد و دید که تلاش و کید دشمن نمی‌تواند مؤمنان را ناکام کند و اثری بگذارد. بحمدالله امروز جمهوری اسلامی از سال‌های قبل بسیار قوی‌تر، بسیار آبرومندتر و بسیار آماده‌تر برای حرکت‌های بزرگی است که خدای متعال برای او مقدر کرده است ؛ و همه‌ی اینها علی‌رغم میل دشمنان است ؛ همه‌ی اینها بر اثر صبر و تلاش دوستان مخلص و ملت مقاوم و عظیم‌الشأن ایران و همین جوانان و همین پدران و مادران است ؛ و این نیست مگر فضل الهی و تفضلات پروردگار.

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و آسایش و درس و کار و تلاش‌های روزمره‌ی زندگی جدا کرد و به جبهه‌های نبرد کشانید. این خاطراتی که از این عزیزان منتشر می‌شود، این حوادث بسیار پُرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه‌ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است.

امیدواریم که روح مقدس امام بزرگوارمان همواره پشتیبان شما باشد و قلب مقدس ولی‌عصر ( ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) از شما راضی و خشنود باشد. به امید موفقیت‌های روزافزون نظام جمهوری اسلامی.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته